20

نشانه منافقان در قرآن

**به اهتمام:**

**قباد كاكاخاني**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | 20 نشانه منافقان در قرآن |
| **تألیف:** | قباد كاكاخاني |
| **موضوع:** | مباحث قرآنی |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری |
| **منبع:**  |  |
|  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

فهرست مطالب

[مقدمه 5](#_Toc346235206)

[نفاق چیست؟ 6](#_Toc346235207)

[انواع نفاق 7](#_Toc346235208)

[نفاق در عقیده: 7](#_Toc346235209)

[نفاق در عمل: 7](#_Toc346235210)

[نشانه‌های منافق 8](#_Toc346235211)

[نشانه یکم: دروغ گفتن (در باور، گفتار و کردار) 8](#_Toc346235212)

[نشانه دوم: شرم کردن از مردم و شرم نداشتن از خدا 8](#_Toc346235213)

[نشانه سوم: تنبلی کردن در عبادات 9](#_Toc346235214)

[نشانه چهارم: ریا کردن و ریاکاری 9](#_Toc346235215)

[نشانه پنجم: کمتر یاد کردن از خدا و ذکر کم گفتن 10](#_Toc346235216)

[نشانه ششم: سوگند و قسم دروغ خوردن 11](#_Toc346235217)

[نشانه هفتم: وقایع را بزرگ نشان دادن و شایعه پراکنی 11](#_Toc346235218)

[نشانه هشتم: عیب جویی از قضا و قدر خداوند 11](#_Toc346235219)

[نشانه نهم: بدگویی کردن از انسانهای صالح و سالم 12](#_Toc346235220)

[نشانه دهم: بدگمانی و تهمت زدن به انسانهای درستکار 12](#_Toc346235221)

[نشانه یازدهم: تلاش در جهت شیوع فساد و تباهی به نام اصلاح و نیکویی 13](#_Toc346235222)

[نشانه دوازدهم: ظاهر و باطن منافق یکی نیست 13](#_Toc346235223)

[نشانه سیزدهم: امر به منکرات و زشتی‌ها و نهی از معروف و نیکی‌ها 14](#_Toc346235224)

[نشانه چهاردهم: منافق در امور خیر خسیس و بخیل است 14](#_Toc346235225)

[نشانه پانزدهم: فراموش کردن خدا 14](#_Toc346235226)

[نشانه شانزدهم: وعده‌های خدا و پیامبر را دروغ می‌داند 15](#_Toc346235227)

[نشانه هفدهم: آگاهی نداشتن از احکام دین و ندانستن برنامه زندگی خداپسندانه 15](#_Toc346235228)

[نشانه هجدهم: خوشحالی بر مصیبت ایمانداران و دلتنگی در شادی آنها 16](#_Toc346235229)

[نشانه نوزدهم: چاپلوسی و زبان بازی 16](#_Toc346235230)

[نشانه بیستم: مسخره کردن دین خدا و سنت پیامبر 17](#_Toc346235231)

[شکست بزرگ 17](#_Toc346235232)

[دعای پایان: 18](#_Toc346235233)

[منابع: 19](#_Toc346235234)

مقدمه

**حمد و سپاس و ستایش و شکر بی پایان، شایسته خداوند بزرگیست که ما را به دینِ پاک و برگزیده‌‌ی خود، دین اسلام رهنما شد و آن را بر سایر ادیان برتری داد و درود و رحمت و سلامِ خداوند بر پیامبر اسلام و تمام همراهان و رهروان راستین وی.**

**خداوند بزرگ را سپاسگذارم که این توفیق را به دست و قلم و فکر این بنده‌ی ناچیز عطا فرمود تا بتوانم تحقیق و تأملی در مورد صفات منافقین در قرآن داشته باشم.**

**نفاق و دورویی بزرگترین بیماریِ جامعه بشری بوده و از جمله موضوعاتی است که سعادت و شقاوت انسان، در دنیا و آخرت با آن گره خورده است. ما امروز به روشنی شاهد این واقعیتِ تلخ هستیم که بدلیل دور شدنِ مردم از فرامین و قوانین الهی و ضعیف شدن تقوای الهی در دلها، بیماری نفاق در جامعه شیوع بسیار وسیعی پیدا کرده است و تمام لایه‌های جامعه را دچار و درمانده نموده است. این بدان دلیل است که نفاق تنها یک مرض عادی نیست، بلکه شامل مجموعه ای از امراضِ روحیِ فراگیر است.**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **مرا در پیرهن دیوی منافق بود و گردن‌کش** |  | **و لیکن عقل یاری داد تا کردم مسلمانش** |

**مهم‌ترین راه درمان این بیماری، شناختِ درست و صحیحِ علائم و نشانه‌های آن و به دنبال آن، پرهیز و مبارزه با آن نشانه‌هاست. اگر شناخت علایم و نشانه‌های این بیماری برای تمامی انسانها ضروری می‌باشد، به طریق اولی، برای یک مسلمان ضروری تر و واجب تر است. ما در این نوشتار به معرفی و بیان 20 نشانه مهمِّ نفاق و دورویی که در قرآن کریم به آنها اشاره شده است، می‌پردازیم.**

**به امید اینکه با یاری خداوند تبارک و تعالی و در سایه شناختِ درست این نشانه‌ها و دوری از هم نشینان منافق، از ورود این بیماری به درون روح و روانِ خود و شیوع آن در روح و روان جامعه جلوگیری نماییم.**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **دوری ز برادر منافق بهتر** |  | **پرهیز ز یار ناموافق بهتر** |
| **خاک قدم یار موافق، حقّا** |  | **از خون برادر منافق بهتر** |

نفاق چیست؟

**نفاق، ادعای خوب بودن و درستکاری از طرف انسانهای نادرست و نابکار است. نفاق میوه و ثمره کفر است و کفر به معنای پنهان کردن حقایق و وارونه جلوه دادن آنست. منافق در ظاهر مسلمان و در باطن کافر است. در حقیقت نفاق یکی از نشانه‌های کفر در دل است.**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **گفت بدکار را بد کیفر است** |  | **گفت منافق از بدکار بدتر است** |

**نفاق از اعمال کسانی است که به زبان ادعای ایمان و صداقت در اقوال و افعال را می‌کنند، اما در دل حقایق را پنهان کرده و با خودشان صادق نیستند:**

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ ثُمَّ كَفَرُواْ فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَهُمۡ لَا يَفۡقَهُونَ ٣﴾ [المنافقون: ٣]

**«اين (نفاق و دروغگوئي و بازداشتن از دين) بدان خاطر است كه ( نخست با زبان) ايمان آورده‌اند و سپس (با دل) كافر شده‌اند، پس بر دلهايشان مهر نهاده شد، و ايشان ديگر (حقيقت را درك نمي‌كنند، و از ايمان چيزي) نمي‌فهمند».**

**‏ منافق در ظاهر آراسته و طرفدار حقیقت است، گیج و منگ نیست بلکه بسیار خوب حرف می‌زند، اما مانند طبل توخالی فقط صدای قشنگ و بلندی داشته و هیچ مایه ای از خود ندارد:**

﴿وَإِذَا رَأَيۡتَهُمۡ تُعۡجِبُكَ أَجۡسَامُهُمۡۖ وَإِن يَقُولُواْ تَسۡمَعۡ لِقَوۡلِهِمۡۖ كَأَنَّهُمۡ خُشُبٞ مُّسَنَّدَةٞۖ يَحۡسَبُونَ كُلَّ صَيۡحَةٍ عَلَيۡهِمۡۚ هُمُ ٱلۡعَدُوُّ فَٱحۡذَرۡهُمۡۚ قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُۖ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ٤﴾ [المنافقون: ٤]

**«هنگامي كه ايشان را مي‌بيني، تیپ و قیافه آنها نظر تو را جلب می‌کند و به شگفتی مي‌آورد (و به خود مي‌گوئي: چه انسانهاي باوقار و برازنده‌اي !) و هنگامي كه به سخن در مي‌آيند(به علّت قشنگی كلامشان) به سخنانشان گوش فرا مي‌دهي. (با وجود اين جاذبه‌ی صورت و گيرائيِ گفتار) آنان انگار تخته‌هائي هستند كه (بر ديوار) تكيه داده شده باشند (بي‌جان و بي‌ايمان، هيكلهاي توخالي، درونهاي بي‌نور و صفا، نقشهائي بر در و ديوارها). هر فريادي را بر ضدّ خود مي‌پندارند و هر آوازي را به زيان خويش! آنان دشمنان واقعی هستند پس از ايشان برحذر باش. خداوند آنها را بكُشد! چگونه (از حق) رویگردان مي‌شوند (و منحرف مي‌گردند؟!)».‏**

|  |  |
| --- | --- |
| **گفت یزدان مر نبی را در مساق** | **یک نشانی سهلتر زاهل نفاق** |
| **گر منافق زفت باشد نغز و هول** | **وا شناسی مر ورا در لحن و قول** |

انواع نفاق

نفاق در عقیده:

**نفاق در باورها و اعتقادات اسلامی انسان را از دایره اسلام خارج کرده و صاحب آن داخل در آتش جهنم می‌شود. همانطور که خداوند در کتاب خود می‌فرماید:**

﴿بَشِّرِ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ بِأَنَّ لَهُمۡ عَذَابًا أَلِيمًا ١٣٨﴾ [النساء: ١٣٨]

 **«به منافقان مژده بده كه برای آنها عذاب دردناكي خواهد بود».**

﴿إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ فِي ٱلدَّرۡكِ ٱلۡأَسۡفَلِ مِنَ ٱلنَّارِ وَلَن تَجِدَ لَهُمۡ نَصِيرًا ١٤٥﴾ [النساء: ١٤٥]

**«بيگمان منافقان در اعماق دوزخ و در پائين‌ترين مكان آن هستند و هرگز ياوري براي آنان نخواهي يافت (تا به فريادشان رسد و آنان را برهاند)».**

﴿إِنَّ ٱللَّهَ جَامِعُ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱلۡكَٰفِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ١٤٠﴾ [النساء: ١٤٠]

**«شك نيست كه خداوند منافقان و كافران را همگي در دوزخ گرد مي‌آورد؛ (پس از مخالطه و مجالسه با ايشان بپرهيزيد تا همراه آنان به آتش دوزخ گرفتار نشوید)».‏**

نفاق در عمل:

**تمام اعمالی که انسان در ظاهر انجام می‌دهد اما در درون با اخلاص قلبی همراه نیست و خودش هم این دوگانگی را می‌داند، از مصادیق نفاق در عمل به حساب می‌آیند. نفاق در عمل شامل دایره بسیار وسیعی از اعمال و کارهای روزمره یک منافق بوده و از گستردگی زیادی برخوردار می‌باشد.**

نشانه‌های منافق

نشانه یکم: دروغ گفتن (در باور، گفتار و کردار)

﴿وَٱللَّهُ يَشۡهَدُ إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ لَكَٰذِبُونَ ١﴾ [المنافقون: ١]

«خداوند گواهي مي‌دهد كه منافقان در گفتار خود دروغگو هستند».

**اولین صفتی که خداوند در سوره منافقون به منافقین نسبت می‌دهد، دروغ گفتن است. یعنی در صحبت کردن چیزهایی را به زبان می‌آورند که خودشان ایمانی و اعتقادی به آن سخنان ندارند و در دل خود میدانند که در حال دروغ و فریبکاری هستند. منافق با دروغگویی حقایق را به نفع خود پنهان میکند. منافق اگر پیمانی با کسی ببندد یا قولی بدهد، در قول و پیمانِ خود دروغگو بوده و پیمان خواهد شکست. او همچنین در قول خود دغل باز و نیرنگ باز نیز می‌باشد. بنابراین کسی که به زن، فرزند، دوستان و بقیه مردم قولی یا وعده ای بدهد و بدون داشتن عذرِ شرعیِ قابلِ قبول، آن را بجا نیاورد و در قول و وعده خود دروغگو باشد، با این کارِ خود، وارد دایره نفاق خواهد شد و یکی از نشانه‌های نفاق را در خود پرورش میدهد.**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **نقض میثاق و عهود از احمقیست** |  | **حفظ ایمان و وفا کار تقیست** |

**در قرآن هر جا از نفاق صحبت می‌فرماید، بلافاصله همراه با این واژه از دروغ هم صحبت می‌کند و برعکس هر جا از دروغ سخن می‌گوید، به همان شکل همراه با آن از نفاق هم سخن می‌گوید.**

نشانه دوم: شرم کردن از مردم و شرم نداشتن از خدا

﴿يَسۡتَخۡفُونَ مِنَ ٱلنَّاسِ وَلَا يَسۡتَخۡفُونَ مِنَ ٱللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمۡ إِذۡ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرۡضَىٰ مِنَ ٱلۡقَوۡلِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطًا ١٠٨﴾ [النساء: ١٠٨]

«آن‌ها (زشتکاری‌های خود را) از مردم پنهان می‌دارند، اما از الله پنهان نمی‌دارند، و او با ایشان است؛ هنگامی‌که در جلسات شبانه سخنانی را که الله نمی‌پسندد، تدبیر می‌کنند، و الله به آنچه انجام می‌دهند؛ احاطه دارد».

**این نشانه بزرگترین و بهترین نشانه است که میتوان به وسیله‌ی آن یک منافق را از ایمانداران واقعی جدا کرد و تشخیص داد. منافقی که در جلوی چشمِ مردم، مرتکب گناه و معاصی نمی‌شود، اما در تنهایی و خفا به راحتی مرتکب گناه می‌شود و خداوندِ بزرگ را کمترینِ کس هم به حساب نمی‌آورد تا از وی اندک شرمی داشته باشد. منافق خوشایندِ مردم را بیشتر دوست دارد تا خوشنودی خداوند را.**

**اما مؤمن واقعی، خداوند را همواره ناظر و حاضر می‌بیند و در پنهان و آشکار، خداوند را بر نفس و درون خود شاهد و بینا می‌داند و خوشنودی خداوند را بر رضایت مردم ترجیح می‌دهد.**

نشانه سوم: تنبلی کردن در عبادات

﴿وَإِذَا قَامُوٓاْ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ قَامُواْ كُسَالَىٰ﴾ [النساء: ١٤٢]

«منافقان هنگامي كه براي نماز برمي‌خيزند، سست و بي‌حال به نماز مي‌ايستند».

**منافقین در زمان پیامبر با آن حضرت به نماز می‌ایستادند اما خداوند متعال پیامبر را از اینکه منافقین با تنبلی و ناراحتی به نماز می‌آیند، آگاه نمود. اگر این شرح حال منافقین است، پس وای به حال کسانی که نه با نشاط و نه با تنبلی نماز نمی‌خوانند!؟.**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **آن منافق از برون صوم و صلات** |  | **وز درون آب سیاه بی نبات** |

نشانه چهارم: ریا کردن و ریاکاری

﴿يُرَآءُونَ ٱلنَّاسَ﴾ [النساء: ١٤٢]

«بدون شک منافقان ریاکار هستند و در جلو مردم خودنمایی میکنند (و نمازشان به خاطر مردم است‌، نه به خاطر خدا)»**.**

**ریا کردن به این معناست که شخص، خودش را جلوی چشم مردم خداترس و پرهیزکار نشان می‌دهد تا مورد احترام و قبول مردم قرار گیرد و به چشم آدم خوب به او نگاه کنند. حتی نمازهای انفرادی نیز طوری وانمود می‌کند که بسیار مخلص و متدین است. در اجتماعات و مجالس نیز با ادب و عبادت پیشه نشان می‌دهد اما وقتی به خلوت می‌رود، برعکسِ آنچه نشان می‌داد عمل می‌کند و انگار هیچ ترسی از خدا ندارد و اصلاً خدا را نمی‌شناسد. تمام سخنان و کارهایش برای جلبِ توجه مردم است و خودش هم به این دوگانگیِ شخصیتی در وجود خود آگاهی دارد.**

**ریا از گناهان کبیره بوده و به شرک نزدیک می‌باشد، چون مقصود از عبادتِ شخص ریاکار، جلب توجه مردم است و این به معنای پرستش مردم بوده و شرک است.**

**گاهی مقصود ریاکار، جلب نظر مردم برای رسیدن به مقام و مسئولیتی مانند نمایندگی یا ریاست یا رهبری است.**

**نمایندگی و قضاوت و ولایت و رهبری که به امور و حقوق مردم تعلق دارد، اگر همراه با رعایتِ عدالت باشد، از عبادات بزرگ بشمار می‌رود اما اگر با عدالت همراه نباشد از گناهان کبیره و بزرگ است. بنابراین کسی که مطمئن نیست بتواند عدالت را رعایت کند و بر آن توانا نیست، قبول مسئولیت برایش حرام است[[1]](#footnote-1).**

نشانه پنجم: کمتر یاد کردن از خدا و ذکر کم گفتن

﴿وَلَا يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ إِلَّا قَلِيلٗا ١٤٢﴾ [النساء: ١٤٢]

«و (منافقان) الله را جز اندکی یاد نمی‌کنند».

**خداوند نفرمود منافقان به یاد خدا نیستند بلکه می‌فرماید آنها کسانی هستند که خدا را یاد می‌کنند اما به کمی و به تنبلی.**

نشانه ششم: سوگند و قسم دروغ خوردن

﴿ٱتَّخَذُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُمۡ جُنَّةٗ﴾ [المجادلة: ١٦]

«(منافقین) سوگندهاي (دروغين) خود را سپري (براي رهائي از گرفتار آمدن به دست عدالت، و پوشاندن چهره واقعي خويش) مي‌گردانند».

**منافق اگر شخصی را غیبت کند و آن شخص بشنود و بگوید چرا چنین چیزی را گفته ای؟می گوید به خدا قسم که من چنین حرفی را پشت سر تو نگفته‌ام. منافق در معامله نیز بی‌پروا قسمِ دروغ می‌خورد و هیچ ابایی ندارد.**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **چون ندارد مرد کج در دین وفا** |  | **هر زمانی بشکند سوگند را** |
| **راستان را، حاجت سوگند نیست** |  | **زانکه ایشان را دو چشم روشنیست** |

نشانه هفتم: وقایع را بزرگ نشان دادن و شایعه پراکنی

﴿لَّئِن لَّمۡ يَنتَهِ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡمُرۡجِفُونَ فِي ٱلۡمَدِينَةِ لَنُغۡرِيَنَّكَ بِهِمۡ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَآ إِلَّا قَلِيلٗا٦٠﴾ [الأحزاب: ٦٠]

«اگر منافقان و کسانی‌که در دل‌های شان بیماری است، و شایعه پراکنان در مدینه (از کار خود) باز نایستند، یقیناً تو را بر (ضد) آن‌ها می‌شورانیم (و بر آن‌ها مسلط می‌گردانیم) سپس جز اندکی در کنار تو در آن (شهر مدینه) نباشند».

**یکی از نشانه‌های منافقین این است که وقایع و چیزهای کوچک را بزرگ جلوه می‌دهند و با شایعه پراکنی سعی در تضعیف مسلمانان و جامعه اسلامی می‌کنند.**

نشانه هشتم: عیب جویی از قضا و قدر خداوند

﴿ٱلَّذِينَ قَالُواْ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ وَقَعَدُواْ لَوۡ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُواْۗ قُلۡ فَٱدۡرَءُواْ عَنۡ أَنفُسِكُمُ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾ [آل‌عمران:١٦٨]

«منافقان كساني هستند كه (خود در خانه) نشستند و (از جنگ كناره گيري كردند و نسبت) به برادران خود گفتند: اگر از ما اطاعت مي كردند (و حرف ما را مي شنيدند) كشته نمي شدند. بگو: پس مرگ را از خود به دور داريد اگر راست مي گوئيد (كه مي توان با پرهيز و حذر از دست قضا و قدر گريخت)».

**منافق به قضا و قدر و مشیت الهی راضی نیست و هر اتفاقی در زندگی بیفتد، می‌گوید اگر چنین می‌کردم، چنین می‌شد. اما مؤمنین واقعی در پیشامدهای خیر، شکرگذار و در بلا و مصیبت، آرام و صبورند و در هر حال به رضای الهی رضایت دارند.**

نشانه نهم: بدگویی کردن از انسانهای صالح و سالم

﴿أَشِحَّةً عَلَيۡكُمۡۖ فَإِذَا جَآءَ ٱلۡخَوۡفُ رَأَيۡتَهُمۡ يَنظُرُونَ إِلَيۡكَ تَدُورُ أَعۡيُنُهُمۡ كَٱلَّذِي يُغۡشَىٰ عَلَيۡهِ مِنَ ٱلۡمَوۡتِۖ فَإِذَا ذَهَبَ ٱلۡخَوۡفُ سَلَقُوكُم بِأَلۡسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى ٱلۡخَيۡرِۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَمۡ يُؤۡمِنُواْ فَأَحۡبَطَ ٱللَّهُ أَعۡمَٰلَهُمۡۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٗا﴾ [الأحزاب: ١٩]

«آن‌ها بر شما بخل می‌ورزند، پس هنگامی‌که (زمان) ترس (پیش) آید، می‌بینی که به تو نگاه می‌کنند، در حالی‌که چشم‌هایشان (در حدقه) می‌چرخد، مانند کسی‌که از (سکرات) مرگ بی هوش شده باشد، پس چون ترس (و وحشت) بر طرف شد، شما را با زبآن‌ها‌ی تیز (و تند خود) می‌رنجانند، در حالی‌که بر مال (غنایم) سخت حریص و آزمندند، اینان (هرگز) ایمان نیاورده‌اند، لذا الله اعمال‌شان را تباه (و نابود) کرد، و این (کار) بر الله آسان است».

**منافق وقتی که از نزد مسلمانی خارج می‌شود، پشت سر او با زبانی تیز و برنده شروع به بدگویی می‌کند.**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **آن منافق چون درین ظاهر گریخت** |  | **خون صد مؤمن به پنهانی بریخت** |

نشانه دهم: بدگمانی و تهمت زدن به انسانهای درستکار

**‏﴿**وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَغُلَّۚ وَمَن يَغۡلُلۡ يَأۡتِ بِمَا غَلَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَايُظۡلَمُونَ١٦١﴾ [ال‌عمران:١٦١]

«(منافقان پیامبر را متهم كردند که به آنها خيانت خواهد کرد! در حالي كه) هيچ پيغمبري را نسزد كه خيانت كند، و هر كس خيانت ورزد، در روز رستاخيز آنچه را كه در آن خيانت كرده است با خود (به صحنه محشر) مي آورد، سپس به هركسي پاداش و پادافره آنچه كرده است به تمام و كمال داده مي شود، و بدانان ستم نخواهد شد».‏

نشانه یازدهم: تلاش در جهت شیوع فساد و تباهی به نام اصلاح و نیکویی

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ لَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ قَالُوٓاْ إِنَّمَا نَحۡنُ مُصۡلِحُونَ ١١ أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ ٱلۡمُفۡسِدُونَ وَلَٰكِن لَّا يَشۡعُرُونَ ١٢﴾ [البقرة: ١١، ١٢]

«‏هنگامي كه بديشان گفته شود: در زمين فساد و تباهي نكنيد . گويند:همانا ما اصلاحگر هستیم.‏ ‏هان ! ايشان بدون شک فسادكنندگان و تباهي پيشگانند و ليكن (به سبب غرور و فريب خوردگي خود به فسادشان) پي نمي برند».

**منافق با کارهای غلط خود به شیوع فساد و تباهی در جامعه دامن می‌زند و وقتی به او گفته شود، چرا از خدا نمی‌ترسی؟ در جواب می‌گوید: من کار بدی نکرده‌ام. اگر من نکنم دیگران می‌کنند و ... . در حالی که خودش در دل می‌داند که آن کار او باعث گسترش فساد و تباهی خواهد شد.**

نشانه دوازدهم: ظاهر و باطن منافق یکی نیست

﴿إِذَا جَآءَكَ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ قَالُواْ نَشۡهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُۥ وَٱللَّهُ يَشۡهَدُ إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ لَكَٰذِبُونَ١﴾ [المنافقون: ١]

«هنگامي كه منافقان نزد تو مي‌آيند، سوگند مي‌خورند و مي‌گويند: ما گواهي مي‌دهيم كه تو حتماً فرستاده خدا هستي! خداوند مي‌داند كه تو فرستاده خدا مي‌باشي ولي خدا گواهي مي‌دهد كه منافقان در گفته خود دروغگو هستند (چرا كه به سخنان خود ايمان ندارند)».

**با توجه به آیه بالا، هر کس که ظاهر و باطنش یکی نباشد و به عبارتی دیگر صورت و سیرتش یکی نباشد، منافق خواهد بود. گاهی منافق لباس و هیئت آراسته دارد اما درونش فاسد و بدبوست.**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **ظاهر دستار چون حور بهشت** |  | **آن منافق اندرون رسوا و زشت** |

**اما مؤمن واقعی در کنار آراستگی ظاهر، دل و درونش را هم به ذکر و یاد خدا و به صفات نیک آراسته می‌کند تا زیبایی ظاهر و زیبایی باطن هر دو را با هم داشته باشد و از جمله منافقان نباشد.**

نشانه سیزدهم: امر به منکرات و زشتی‌ها و نهی از معروف و نیکی‌ها

﴿ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتُ بَعۡضُهُم مِّنۢ بَعۡضٖۚ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡمُنكَرِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمَعۡرُوفِ..﴾ [التوبة: ٦٧]

«مردان منافق و زنان منافق همه از يك گروه (و يك قماش) هستند . آنان همديگر را به كار زشت فرا مي‌خوانند و از كار خوب باز مي‌دارند».

**منافقین می‌خواهند خرابکاری، زنا، بی بند و باری و بی‌حجابی گسترش پیدا کرده و موسیقی غیرشرعی، عکسها و فیلمهای لخت و نیمه لخت، سیگار و تریاک و مخدرات در جامعه انسانی شیوع داشته باشد. اینها همه از جمله منکرات و بزه کاری است. منافق دوست ندارد خیر و نیکی و علم و آگاهی مردم رشد کند و اگر کسی از سر خیرخواهی به او بگوید: این کارها مورد پسند خدا نیست و پیامبر نهی کرده است، در جواب خواهد گفت لازم نیست تو به ما درس دین بدهی، ما خودمان از دین آگاهی داریم.**

نشانه چهاردهم: منافق در امور خیر خسیس و بخیل است

﴿وَيَقۡبِضُونَ أَيۡدِيَهُمۡ﴾ [التوبة: 67]

«و دستهایشان را (از بذل و بخشش در راه خیر) می‌بندند».

**منافق را می‌بینی که برای خودنمایی و تظاهر و طلب شهرت، مهمانی ها می‌گیرد و خرج های سنگین می‌کند، اما اگر برای کار خیری از او کمک بخواهی، با اکراه و به سختی مبلغ ناچیزی کمک خواهد کرد.**

نشانه پانزدهم: فراموش کردن خدا

﴿نَسُواْ ٱللَّهَ فَنَسِيَهُمۡۚ إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ٦٧﴾ [التوبة: ٦٧]

«خدا را فراموش كرده‌اند (و از پرستش او روي‌گردان شده‌اند)، خدا هم ايشان را فراموش كرده است (و رحمت خود را از ايشان بريده و هدايت خويش را از آنان دريغ داشته است). بدرستی منافقان، همان اهل فسق ‏(و گردنکشان در قبال حق) هستند».

**منافق از خانواده، سرگرمی ها و لذات دنیوی، آرزوها و داشته‌ها و هر چیز دیگری صحبت می‌کند غیر از خدا! این در حالی است که فراموش کردنِ خداوند، بزرگترین بلا و مصیبت است . چون خداوند نیز او را به فراموشی می‌سپارد. اما مؤمن واقعی همواره و در هر موقعیتی در خواب و در بیداری، در کار و در استراحت، سواره یا پیاده، در نعمت و در مصیبت، هیچ وقتی را از یاد خدا خالی نمی‌گذارد.**

نشانه شانزدهم: وعده‌های خدا و پیامبر را دروغ می‌داند

﴿وَإِذۡ يَقُولُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ مَّا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ إِلَّا غُرُورٗا ١٢﴾

[الأحزاب: ١٢]

«و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که منافقان و آنان كه در دلهايشان بيماري (نفاق) وجود دارد، مي‌گویند: خدا و پيغمبرش جز وعده‌هاي دروغين به ما نداده‌اند».

**منافق باوری به آخرت ندارد، به همین خاطر فقط در طلب دنیا و مقامات دنیوی است.**

نشانه هفدهم: آگاهی نداشتن از احکام دین و ندانستن برنامه زندگی خداپسندانه

﴿وَلَٰكِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ لَا يَفۡقَهُونَ ٧﴾[المنافقون: ٧]

«ولی منافقان (حقایق و واقعیت ها) درنمی‌یابند و نمی‌فهمند».

**منافق به علوم تجربی و دنیوی علاقه دارد و یاد می‌گیرد! اما از درک حقایق دین و قدرت وعده‌های الهی و روز سزا و جزاو ...، قاصر و عاجز است واین تنها بدین خاطر است که خودش نمیخواهد بفهمد و خداوند نیز بر دل او مهر میزند. منافق دوست ندارد در مجالس و مباحث از عبادت و نماز و یاد خدا بحث شود، چون فکر می‌کند چیزی از آن نمی‌داند و مایه سرافکندگی اوست. اما مؤمن واقعی به دنبال کسب علم شرعی و احکام دین می‌رود و همیشه در تلاش است کاری را که در آن سود و خیری هست، انجام دهد.**

نشانه هجدهم: خوشحالی بر مصیبت ایمانداران و دلتنگی در شادی آنها

﴿إِن تُصِبۡكَ حَسَنَةٞ تَسُؤۡهُمۡۖ وَإِن تُصِبۡكَ مُصِيبَةٞ يَقُولُواْ قَدۡ أَخَذۡنَآ أَمۡرَنَا مِن قَبۡلُ وَيَتَوَلَّواْ وَّهُمۡ فَرِحُونَ ٥٠﴾ [التوبة: ٥٠]

«اگر به تو نیکی برسد، آن‌ها را ناراحت می‌کند، و اگر مصیبتی به تو رسد، می‌گویند: ما پیش از این چارۀ کار خود را اندیشیده‌ایم و شادمانه باز می‌گردند».

**اگر منافق باخبر شود که مسلمانی دچار بلا و مصیبتی شده است، فوراً شروع به پخ آن خبر می‌کند و طوری وانمود می‌کند که از این واقعه ناراحت شده است اما دروغ می‌گوید و در دل به آن شاد و خوشحال است.**

نشانه نوزدهم: چاپلوسی و زبان بازی

﴿وَإِذَا رَأَيۡتَهُمۡ تُعۡجِبُكَ أَجۡسَامُهُمۡۖ وَإِن يَقُولُواْ تَسۡمَعۡ لِقَوۡلِهِمۡۖ كَأَنَّهُمۡ خُشُبٞ مُّسَنَّدَةٞۖ يَحۡسَبُونَ كُلَّ صَيۡحَةٍ عَلَيۡهِمۡۚ هُمُ ٱلۡعَدُوُّ فَٱحۡذَرۡهُمۡۚ قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُۖ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ٤﴾ [المنافقون: ٤]

«و اگر (سخن) گویند به سخنان‌شان گوش فرا می‌دهی، گویی آن‌ها چوب‌های تکیه داده به دیوارند، هر بانگی را علیه خود می‌پندارند، آن‌ها دشمن (واقعی) هستند، پس از آنان بر حذر باش! الله آن‌ها را بکشد، چگونه (از حق) منحرف می‌شوند؟!».

**منافق چاپلوس و زبان باز است و به شکلی حرف می‌زند که مردم فکر کنند از دیگران فهمیده‌تر و عاقل‌تر است. منافق دوست دارد بالاتر از فهم مردم سخن بگوید تا برتری خود را به دیگران تحمیل کند و با این کارها می‌خواهند مردم را فریب دهند.**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **گر به دریا در افتی ای منافق** |  | **ز زشتی کی خورد مار و نهنگت** |
| **چه گویم با تو ای نقش مزوّر** |  | **چه معنی گنجد اندر جان تنگت** |

نشانه بیستم: مسخره کردن دین خدا و سنت پیامبر

﴿يَحۡذَرُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ أَن تُنَزَّلَ عَلَيۡهِمۡ سُورَةٞ تُنَبِّئُهُم بِمَا فِي قُلُوبِهِمۡۚ قُلِ ٱسۡتَهۡزِءُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ مُخۡرِجٞ مَّا تَحۡذَرُونَ ٦٤ وَلَئِن سَأَلۡتَهُمۡ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلۡعَبُۚ قُلۡ أَبِٱللَّهِ وَءَايَٰتِهِۦ وَرَسُولِهِۦ كُنتُمۡ تَسۡتَهۡزِءُونَ ٦٥﴾ [التوبة: ٦٤، ٦٥]

‏«منافقان (خدا و آيات و پيغمبر او را در ميان خود به مسخره مي‌گيرند و) مي‌ترسند كه سوره‌اي برضدّ ايشان نازل شود (و علاوه از آنچه مي‌گويند) آنچه را (هم كه) در دل دارند به رويشان بياورد و آشكارش سازد . بگو: هر اندازه مي‌خواهيد مسخره كنيد، بيگمان خداوند آنچه را كه از آن بيم داريد (و در پنهان داشتنش مي‌كوشيد ) آشكار و هويدا مي‌سازد.اگر از آنان ( درباره سخنان ناروا و كردارهاي ناهنجارشان) بازخواست كني، مي‌گويند: (مراد ما طعن و مسخره نبوده و بلكه با همديگر) بازي و شوخي مي‌كرديم . بگو: آيا به خدا و آيات او و پيغمبرش مي‌توان بازي و شوخي كرد؟!»

**همین طور مسخره کردن به لباس و ریش و هیئت یک مسلمان، شخص را وارد دایره نفاق و کفر خواهد کرد.**

شکست بزرگ

**انسان منافق با اعمال مزدورانه خود، درهای رحمت خداوند را بر روی خود بسته و درهای عذاب را به روی خود باز می‌کند:**

﴿يَوۡمَ يَقُولُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتُ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱنظُرُونَا نَقۡتَبِسۡ مِن نُّورِكُمۡ قِيلَ ٱرۡجِعُواْ وَرَآءَكُمۡ فَٱلۡتَمِسُواْ نُورٗاۖ فَضُرِبَ بَيۡنَهُم بِسُورٖ لَّهُۥ بَابُۢ بَاطِنُهُۥ فِيهِ ٱلرَّحۡمَةُ وَظَٰهِرُهُۥ مِن قِبَلِهِ ٱلۡعَذَابُ ١٣﴾ [الحديد: ١٣]

«روزي که مردان منافق و زنان منافق به مؤمنان مي‌گويند: (با شتاب به سوي بهشت حركت نكنيد و) منتظرمان بمانيد تا از نور شما فروغ و پرتوي ( به ما بتابد و از آن ) استفاده كنيم! بديشان گفته مي‌شود: به عقب برگرديد (و مجدّداً به دنيا برويد) و نوري به دست بياوريد! در اين حال ناگهان ديواري ميان آنان زده مي‌شود كه دري دارد . داخل آن (كه به طرف مؤمنان است) رو به رحمت است (كه بهشت و نعمت سرمدي است ) و خارج آن ( كه به طرف منافقان است) رو به عذاب است (كه دوزخ و نقمت ابدي است)».

﴿يُنَادُونَهُمۡ أَلَمۡ نَكُن مَّعَكُمۡۖ قَالُواْ بَلَىٰ وَلَٰكِنَّكُمۡ فَتَنتُمۡ أَنفُسَكُمۡ وَتَرَبَّصۡتُمۡ وَٱرۡتَبۡتُمۡ وَغَرَّتۡكُمُ ٱلۡأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَآءَ أَمۡرُ ٱللَّهِ وَغَرَّكُم بِٱللَّهِ ٱلۡغَرُورُ ١٤﴾ [الحديد: ١٤]

«منافقان، مؤمنان را صدا میزنند، مگر ما (در دنيا) با شما نبوديم‌ ؟ مي‌گويند: بلي ! وليكن (با نفاق)، خويشتن را گرفتار بلا كرديد، و چشم به راه (مرگ پيغمبر، و نابودي مسلمانان، و برچيده شدن اسلام) مانديد و (درباره حقانيت دعوت پيغمبر و قرآن و وجود معاد و رستاخيز) شك و ترديد ورزيديد، و آرزوها و پندارها شما را گول زد، تا اين كه فرمان خدا (دائر بر مرگتان) در رسيد و اهريمن ( بدكاره و نفس امّاره‌ی) فريبكار، شما را در برابر فرمان خدا فريب داد».

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **آن منافق با موافق در نماز** |  | **از پی استیزه آید، نی نیاز** |
| **در نماز و روزه و حج و زکات** |  | **با منافق مؤمنان در برد و مات** |
| **مؤمنان را برد باشد عاقبت** |  | **بر منافق مات اندر آخرت** |
| **هر یکی سوی مقام خود رود** |  | **هر یکی بر وفق نام خود رود** |
| **مؤمنش خوانند جانش خوش شود** |  | **ور منافق گویی پر آتش شود** |

دعای پایان:

**از خداوند بزرگ می‌خواهم که ما را از این بیماری مهلک و کشنده محافظت نماید و توفیق دهد که این نشانه‌ها را همواره به یاد داشته باشیم و از آنها پرهیز و حذر کنیم. آمین یا رب العالمین**

منابع:

**تفسیر نور، دکتر مصطفی خرم دل**

**علائم نفاق، دکتر عائض القرنی، ترجمه نوا محمد سعید**

**کیمیای سعادت، امام محمد غزالی**

**مثنوی معنوی، جلال الدین محمد بلخی**

1. - قبول مسئولیت در صورتی حرام می‌باشد که شخص مطمئن باشد از عهده وظیفه اش بر نخواهد آمد و حق دیگران ضایع می‌گردد در حالی که افرادی اولاتر از او وجود دارند که توانایی انجام مسئولیت را دارند. اما در صورت عدم وجود افراد اولاتر و متخصص و همچنین عدم اطمینان به ناکارآمدی و ناتوانی خویش، قبول مسئولیت جایز بوده و حرام نیست. (مصحح) [↑](#footnote-ref-1)